



Persian Language International Teaching Studies
Vol. 10, Issue 18, 2024; pp (157-189)
DOI: [10.22034/MAZ.2025.21677.1159](https://doi.org/10.22034/MAZ.2025.21677.1159)



مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی
دوره ۱۰، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۳: صفحات (۱۵۷-۱۸۰)
نشریه علمی / مقاله پژوهشی

A New Approach to the Writing and Diacritization of Arabic Text in Persian Texts*

Mohammad Hassan Taqiyeh¹

Department of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Farank Naji²

M. A. in Arabic Language and Literature.

Abstract

Sometimes, in writing some texts, Arabic text is necessarily used in the middle of Persian text. In the meantime, if it is not written correctly or its correct spelling is not observed, it will confuse the reader; as a result, the Persian text will also become vague and ambiguous. Therefore, one of the problems and challenges faced by Persian language learners is Arabic words and phrases in Persian writings and texts. This issue manifests itself in two ways among us: A) Arabic words involved; B) Arabic words and phrases such as verses of the Holy Quran, Hadiths of the Prophet Mohammad, leaders, and scholars specializing in religion, prose and poetry. Of course, the researcher's goal in this article is the second type; because it seems that some people of culture and art have not been able to write the second type of Arabic word or text in Persian correctly or to diacritize it correctly. Therefore, the author of the article, using the analytical-descriptive method, intends to teach Persian language learners the spelling of words and the systematic and standard diacritization of Arabic texts by providing numerous examples. Of course, at the beginning, he will explain their correct framework and rules, then he will challenge the most important spelling mistakes (including writing Hamzeh, Alef, Ta, etc.) and the common diacritization in virtual and real writing. We must accept that the inability to do this has had and continues to have serious consequences for the target language. This article will clearly show that anyone who cannot systematically diacritize and write Arabic texts correctly will undoubtedly not be able to read and understand them correctly and fluently. Accordingly, the strategies for correct spelling and diacritizing Arabic texts are formed by education, systematization, and liberation from the incorrect methods of the past, which have been passed down to us over successive centuries, mainly by scribes, secretaries, teachers, etc. A weak, inadequate, ambiguous, and eloquent composition is considered a defect, but in the author's opinion, incorrect spelling and inconsistent diacritization are worse than that, and are an unforgivable sin.

Keywords: Diacritization, Writing Hamzeh, Calligraphy, Arabic Texts, Correct Spelling, Persian Language, Arabic Language.

* Receive Date: 31 December 2023 | Revise Date: 19 February 2024 | Accept Date: 28 March 2024

¹ Email: m_mirdehghan@sbu.ac.ir (Corresponding Author)

² Email: m_mirdehghan@sbu.ac.ir

رویکرد نوین نگارش و حرکت گذاری متن عربی در متون فارسی *

محمد حسن تقیه^۱

گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

فرانک ناجی^۲

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب.

چکیده

گاهی در نگارش برخی متون لزوماً از متن عربی در لابه لای متن فارسی بهره گرفته می شود. در این میان، اگر درست حرکت گذاری نشود یا املای صحیح آن رعایت نگردد، مخاطب را به اشتباه می اندازد؛ در نتیجه متن فارسی نیز گنگ و مبهم خواهد شد. پس یکی از مشکلات و چالش های پیش روی زبان آموزان در زبان فارسی کلمه ها و عبارت های عربی در نوشتارها و متون فارسی است. این موضوع به دو گونه میان ما نمود می یابد: (أ) کلمه های عربی دخیل؛ (ب) کلمه ها و عبارت های عربی مانند آیه های قرآن کریم، حدیث های پیامبر (ص)، پیشوایان (ع) و بزرگان دین، نثر و شعر. البته هدف پژوهشگر در این مقاله نوع دوم است؛ زیرا به نظر می رسد برخی اصحاب فرهنگ و هنر نتوانسته اند کلمه یا متن عربی نوع دوم را در زبان فارسی درست بنویسند و یا اینکه به درستی حرکت گذاری کنند. از این رو نگارنده مقاله با بهره گیری از روش تحلیلی- توصیفی بنا دارد با آوردن نمونه ها و مثال های فراوان درست نویسی کلمه ها و حرکت گذاری روشمند و استاندارد متون عربی را به زبان آموزان فارسی آموزش دهد. البته در آغاز به بیان چارچوب و قواعد درست آنها خواهد پرداخت، سپس مهم ترین اشکال و ایرادهای نگارشی (از جمله همزه نویسی، نگارش الف، تاء و ...) و حرکت گذاری رایج در نوشتارهای مجازی و حقیقی را نیز به چالش می کشاند. ما باید بپذیریم ناتوانی در این موضوع، پیامدهای سنگینی برای زبان مقصد در پی داشته و دارد. در این نوشتار به روشنی نشان داده خواهد شد هر کس که نتواند متون عربی را روشمند حرکت گذاری کند و درست بنویسد، بی تردید نخواهد توانست آنها را نیز درست و روان بخواند و بفهمد. بر این اساس راهکارهای درست نویسی و حرکت گذاری صحیح متون عربی با آموزش، روشمند کردن و رهایی از روش نادرست گذشتگانی است که در قرن های پیاپی به طور عمده از سوی کاتبان، منشیان، دبیران و... پیش روی ما گذارده شده است. انشای سست، نارسا، مبهم و دور از فصاحت و بلاغت عیب شمرده می شود، ولی به نظر نگارنده درست نانویسی و حرکت گذاری ناهمگون بدتر از آن، بلکه گناه نابخشودنی است.

واژه های کلیدی: حرکت گذاری، همزه نویسی، رسم خط، متون عربی، درست نویسی، زبان فارسی، زبان عربی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹

¹ Email: m_mirdehghan@sbu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

² Email: m_mirdehghan@sbu.ac.ir

۱. مقدمه

کمتر متنی به زبان عربی را می‌توان یافت که در آن، همه موارد آمده در این مقاله رعایت شده باشد؛ زیرا متأسفانه تاکنون اهمیت لازم بدان داده نشده است. از این‌رو بیشتر نویسندگان، خطاطان و مؤلفان روشی تقلیدی، سنتی و نادرست را در پیش گرفته‌اند و روش علمی و آکادمی را روی برنمی‌تابند. البته زبان عربی از دید نوشتاری و حرکت‌گذاری در زمره سخت‌ترین زبان‌های جهان است. درست‌نویسی و روشمند حرکت‌گذاری نیز از بخش‌های سخت زبان عربی به شمار می‌رود. یک ناهنجار بازمانده از روزگاران کهن در نگارش کنونی متون عربی این است که برخلاف دیگر زبان‌های دنیا که به درست‌نویسی و صحیح حرکت‌گذاری متون توجه ویژه‌ای می‌شود، بسیاری از اصحاب فرهنگ و هنر از جمله خطاطان، نویسندگان و ... در جامعه ما روش درست را برنمی‌تابند و برخی دیگر روش‌های نادرست پیشینیان را در پیش می‌گیرند. آنچه ما در ادامه خواهیم آورد، تنها تلنگری برای هشدار است تا خطاطان، پژوهشگران و اهل قلم به اهمیت کار خود و تأثیر بسیار شگرف آن بر خوانندگان پی ببرند. نخست درباره آنچه می‌خواهند در نوشته‌های خود به کار گیرند، چندین بار بیندیشند و سپس آنها را بر روی کاغذ آورند (راجرز، ۱۳۸۴: ۹۸).

اما گاهی در نگارش برخی متون لزوماً از آیه‌های قرآن کریم، احادیث، ابیات، جمله‌ها، ترکیب‌ها و عبارات‌های عربی در متن فارسی بهره گرفته می‌شود. در این میان، اگر درست حرکت‌گذاری نشود یا املای صحیح آن رعایت نگردد، مخاطب را به اشتباه می‌اندازد؛ از این‌رو بی‌توجهی به موارد گفته‌شده می‌تواند پراکندگی متن، ایجاد کژتابی و نقص در انتقال پیام به مخاطب را در پی داشته باشد و او را از خواندن، درک و فهم ناتوان سازد، در نتیجه متن فارسی نیز گنگ و مبهم خواهد شد. با بررسی متون گوناگون نوشتاری و حتی گفتاری عربی بارها به کلمه‌ها، جمله‌ها و عبارات‌های عربی برمی‌خوریم که اصول نگارش و دستور زبان عربی در آنها رعایت نشده است. البته بجاست بدین نکته اساسی نیز اشاره شود که کمبود یا نبود منبع یا مرجعی در زمینه درست‌نویسی و حرکت‌گذاری متون عربی مخاطب را به دردسر می‌اندازد؛ زیرا برای بهره‌گیری بهینه از متون خود سردرگم می‌شود و در نتیجه از بار علمی

نوشتار می‌کاهد. پس یک مشکل و چالش بنیادین پیش‌روی زبان‌آموزان فارسی کلمه‌ها و عبارت‌های عربی است که در نوشتارها و متون فارسی به دو گونه نمود می‌یابد: (أ) کلمه‌های دخیل مانند «مسئله، مسئول، هیئت و ...» است؛ (ب) کلمه‌ها و عبارت‌های عربی مانند آیه، حدیث، نثر و شعر است که نویسندگان یا شاعران برای استناد، ارجاع، اقتباس و ... بنابر مقتضای حال از آنها بهره لازم را می‌گیرند (أنیس، ۱۹۸۷: ۲۰۱).

بی‌گمان هدف پژوهشگر در این مقاله نوع دوم است؛ زیرا بسیار دیده شده که آنها نتوانسته‌اند عبارت یا متن عربی نوع دوم را در زبان فارسی درست بنویسند و یا صحیح حرکت‌گذاری کنند. از این رو نویسنده می‌کوشد روش درست‌نویسی و صحیح حرکت‌گذاری را به فارسی‌زبانان آموزش دهد تا بتوانند از متون فارسی خود به گونه‌ای دلنشین و زیبا بهره‌جویند. البته در این میان به مهم‌ترین ایرادهای رایج در نوشتارهای مجازی و حقیقی نیز اشاره می‌شود.

گاهی برای نگارش اثری ارزشمند و نفیس مانند قرآن کریم سال‌ها زمان و وقت صرف و میلیاردها هزینه می‌شود، ولی املاء و حرکت‌گذاری آن برابر معیارها و استانداردهای روز زبان عربی نیست. بی‌گمان در این میان از ارزش آن اثر گران‌بها بسیار کاسته خواهد شد.

برای روشن شدن ذهن مخاطب در این زمینه و پیش از ورود به اصل موضوع مقاله بایستی به یک نکته تأسف‌آور و بسیار نگران‌کننده اشاره کرد. آیا تاکنون کنکاش کرده‌اید چرا نسل امروز به متون دینی (به‌ویژه قرآن کریم) کمتر توجه دارد! بی‌گمان به نظر می‌رسد یک علت مهم آن — با توجه به تجربه‌های آموزنده و گفتگوهای شفاف با این نسل، به‌ویژه قشر دانشگاهی — قواعد و سبک‌های سخت، من‌درآوردی، ناسودمند و بی‌مورد گزاردن برای این گونه متن‌هاست.

شاید پرسیده شود رعایت نکات گفته‌شده در این مقاله چه تأثیر و فایده‌ای برای مخاطب فارسی‌زبان دارد؟ باید بپذیریم درست‌نویسی کلمه‌ها و حرکت‌گذاری روشمند متون عربی خواننده را به سوی استفاده بهینه از آن متن می‌کشاند و نهایتاً بر وی تأثیر مثبت شگرفی خواهد گذاشت. هرچند برای جهانیان — به‌ویژه برای ما فارسی‌زبان‌ها — رعایت سبک نگارش،

خواندن و حرکت‌گذاری متون زبان عربی سخت به نظر می‌رسد، ولی باید دنبال راهکار و راه برون‌رفتی بود تا زمینه‌های روان‌نویسی و روان‌خوانی را پدید آورد (فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۲۵۴). برخی بر این باورند که لفظ باید تنها بر معنی دلالت کند و آنگاه که مخاطب مراد ما را درمی‌یابد چه تفاوتی دارد که «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» را «انْشَاءَ اللَّهُ» بگوییم و بنویسیم! پاسخ بسیار روشن است. اگر ما «خواهر» را «خاهر» بنویسیم و یا «خَوَاهر» بخوانیم، آقا واقعاً تفاوتی ندارد؟ نگارش خط فارسی برای فارسی‌آموزان بیگانه و حتی نوآموزان فارسی‌زبان مشکل، ولی خواندن آن برای آنها مشکل‌تر است؛ زیرا نبود علائم آوایی و رسم خط، الزامی نبود فاصله‌گذاری میان واژگان و سرهم‌نویسی‌های بی‌برنامه و نادرست بر روان‌خوانی متون زبان فارسی افزوده است. در این میان، هرچند نگارش خط عربی سخت به نظر می‌رسد اما خواندنش آسان خواهد بود؛ زیرا اگر متن عربی روشمند و علمی حرکت‌گذاری شود مخاطب فارسی‌زبان با مشکل کمتری روبه‌رو خواهد شد. یک زبان، زمانی به بهترین نحو آموزش داده می‌شود که زبان‌آموزان در کلاس درس فعالانه از آن استفاده کرده، دستور زبان را خودشان استنباط کنند (ریچاردز و راجرز، ۱۳۸۴: ۱۵).

برای اینکه آیه‌های قرآن کریم، حدیث‌های پیامبر(ص)، امامان(ع) و بزرگان دین، نشر و شعر عربی را درست بنویسیم و صحیح حرکت‌گذاری کنیم به راهکارهایی مانند آموزش بهینه دست‌اندرکاران مربوط، روشمند کردن داده‌ها و رهایی از روش نادرست گذشتگانی است که در گذر قرن‌های پیاپی به‌طور کلی از سوی کاتبان، دبیران، منشیان و... پیش‌روی ما گذارده شده است. باید پذیرفت که اگر فارسی‌زبانان دچار اشتباه‌نویسی، غلط‌املائی و بد حرکت‌گذاری می‌شوند؛ به دلیل مواردی همچون پیچیده و سخت بودن قواعد املاء‌نویسی، ساختار صرفی و نحوی زبان عربی، نبود روش علمی و آکادمی و آموزش ندیدن دست‌اندرکاران است. نادیده گرفتن موضوع‌های گفته‌شده، ضربه‌های جبران‌ناپذیری به زبان مادری ما زده، و می‌زند و اگر پی‌درپی بیاید زبان فارسی بسیار آسیب‌پذیرتر خواهد شد؛ بنابراین برای پیشگیری از چنین رویداد نابهنجاری باید در پی راهکاری بود.

در گذشته که دانش آن‌چنان پیشرفته نبود، نویسندگان و خطاطان برای سرعت در کار و صرفه‌جویی در جوهر و کار، کلمه‌ها را به یکدیگر می‌چسباندند و فاصله‌های بسیار کمی را میان واژگان و سطرها در نظر می‌گرفتند؛ ولی امروزه که پیشرفت علمی جهان شگفت‌آور است پیروی از روش نادرست پیشینیان گناه بزرگی است که حتی به زبان شیرین فارسی نیز آسیب رسانده، و می‌رساند. پس هدف پایه این پژوهشگر از ارائه شیوه درست‌نگاری و صحیح حرکت‌گذاری، آسان کردن نوشتن و خواندن، دریافت واژگان و فهمیدن متون عربی دخیل در زبان فارسی است (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

چگونه درست و روشمند بنویسیم؟

بی‌تردید بشر پس از گذشت سال‌های بی‌چکی خود در جستجوی خواندن و نوشتن برمی‌آید؛ بنابراین انسان در پی آن است که به نیاز روحی و روانی خود پاسخ دهد. اگر کارشناسان و برگزیدگان جامعه به وی راهکار بجا و بهینه نشان ندهند و او نیز درست راهنمایی نگردد دست به دامان زبان بیگانه می‌شود. بی‌گمان آنچه در جامعه امروزی کشورمان دیده می‌شود بازخورد همین درست راهنمایی‌نشدن، کژتابی‌ها و آموزش‌ندیدن‌هاست (وفایی، ۱۳۹۱: ۹۹). برخی بدون شناختن زبان‌های عربی و فارسی سبب رایج شدن و جا افتادن کاربردهای نادرست بسیاری از واژگان، ترکیب‌ها و عبارت‌ها در میان فارسی‌زبانان می‌شوند. تنها بدین نمونه بسنده می‌شود که هیچ عرب‌زبانی «باسمه تعالی، علی حده، عن قریب، من جمله، من باب، مع هذا و إن شاء الله» را مانند ایرانیان در متون رسمی و ادبی خود «بسمه تعالی، علی‌حده، عنقریب، منجمله، منباب، معهذا و انشا الله» نمی‌نویسد.

بی‌گمان هر یک از ما برای برقراری ارتباطی درست با دیگران نیازمندیم تا از بهترین و درست‌ترین شکل انتقال پیام در زبان گفتار و نوشتار بهره ببریم، ولی گاهی در این زمینه به دلایل گوناگون اشتباهاتی رخ می‌دهد که ما را در رسیدن به هدف خود دچار مشکل می‌کند؛ مثلاً سرهم‌نویسی برخی حروف از دید علمی هیچ دلیل زبان‌شناسی یا آواشناسی ندارد، بلکه تنها نمایش سلیقه شخصی است. البته باید بدین نکته نیز اشاره کرد که قلمرو زبان همانند قلمروی جغرافیا است. همان گونه که جهانگرد بیگانه باید قانون کشور مقصد را

محترم بشمارد، واژه دخیل نیز ناگزیر به پیروی از دستور زبان دوم (به شرط روشمندبودن و ساختار داشتن) است (صلح‌جو، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

در این نوشتار تلاش بر آن است که با بهره‌گیری از روش علمی — آکادمیک برخی از پرکاربردترین شیوه‌های درست‌نویسی متون عربی — به ویژه متون دینی — به زبان‌آموزان فارسی و خوانندگان گرامی آموزش داده شود؛ همچنین به بسیاری از اشتباه‌های رایج زبانی، پیچیده‌نویسی، تکیه کلام‌های زاید، ابهام‌ها و کژتابی‌ها، غلط‌های املائی، درست‌نویسی حروف از جمله همزه، الف، تاء و ... اشاره شود. بی‌تردید تجربه نشان داده است هر کس نتواند متن عربی را درست بنویسد، نخواهد توانست آن را نیز درست و روان بخواند و بفهمد. اغلاط نگارشی، املائی و حرکت‌گذاری نادرست به شخص یا نهاد ویژه‌ای بر نمی‌گردد، بلکه به ساختار اشتباه و نظام ناروشمند علمی و آموزشی گره خورده است که به دلیل کارشناسی ناآزموده و نامتخصص چنین موضوع مهمی را بد پایه‌ریزی کرده است. بنابراین با بررسی و پژوهش‌های کارشناسی و تخصصی سال‌ها به درازا خواهد کشید تا این معضل بزرگ گشایشی یابد و تا اندازه‌ای به سرانجام مقصود برسد (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

البته با توجه به آنکه رسم خط پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ویژه زبان فارسی بوده، و رسم خط ارائه‌شده در این مقاله عربی است؛ بنابراین طرح موضوع هیچ ارتباطی به رسم خط فارسی ندارد و قصد نویسنده مقاله متون عربی در نوشتارهای فارسی است و کلمه‌های عربی فارسی‌شده نیست، مثلاً اگر در کتاب یا مقاله‌ای آیه، حدیث، نثر و نظم عربی آمده است و بنا باشد که این متون ویراستاری گردد، باید براساس ساختار این مقاله ویرایش شود.

در این میان برخی از این اشتباه‌ها در نامه‌نگاری‌های اداری از تیررس انتقادهای پنهان می‌ماند و برخی دیگر روی دیوارها قاب می‌شود و جامعه (حتی دانشگاهیان) نیز بی‌توجه از کنار آنها می‌گذرند، مثلاً کاربرد حرف «أل»، معضل بزرگی است که بیشتر جامعه ایرانی آن را رعایت نمی‌کند. هر روز در رسانه‌ها اصطلاح‌هایی مانند «ممنوع الکاف»، ممنوع الملاقات، ممنوع التصوير و ... را می‌بینید و می‌شنوید، چقدر گوش‌خراش و سخت‌کاربرد است! در

صورتی که به راحتی می‌توان با حذف «أل» و جابه‌جایی ترکیب آنها (کار ممنوع، ملاقات ممنوع، تصویر ممنوع و...) اصطلاح‌های دلنشین و روانی ساخت، یا کاربرد بهینه «أل» موضوع دیگری است که بسیار به زبان فارسی آسیب زده است (شرتونی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۹۸).

شاید مخاطب محترم با نگارنده هم‌عقیده باشد که حرف «أل» یک دردسر شگفت‌آوری برای فارسی‌زبانان شده است. برخی آن را بیان و دیگری آن را حذف می‌کند. بی‌تردید مخاطب سردرگم است که آیا اسم خاص باید با «أل» بیاید یا نیاید؟ به‌تازگی در رسانه‌های دیداری و شنیداری دیده یا شنیده‌اید که گاهی البرداعی، الشَّباب، الجعفری، المالکی و... دگر بار برداعی، شباب، جعفری، مالکی و... گفته می‌شود. بی‌گمان این سردرگمی همه را کلافه می‌کند؛ در صورتی که باید «أل» — به‌جز موارد نادر — از ابتدای اسم خاص (مفرد، مرکب، لقب و کُنیه) حذف شود، مانند: (البرادعی ← برداعی، المَدینة ← مدینه، الصادق ← صادق، الباقر ← باقر، الشَّرق الأوسط ← شرق اوسط، إخوان المسلمین ← إخوان مسلمون، الشَّباب ← شباب). چه بسیار شنیده‌ایم که تیم‌های عربی را با همان «أل» می‌آورند: تیم الغرافة، الاتحاد، الشَّباب؛ اگر رسانه‌های عربی را ملاحظه کنید، مثلاً تیم (استقلال) را (الاستقلال) می‌خوانند و می‌نویسند؛ زیرا در زبان عربی باید «أل» بیاید، ولی ما به خاطر آموزش ندیدن همان شیوه نادرست را می‌آوریم. البته گاهی برخی اسم‌های خاص به شکل معدود، بنا به ضرورت و به‌ندرت باید با «أل» بیایند، مانند: الله، الآن، الکتاب (نام کتاب سیویه).

۱. درباره حروفی که نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند

پیش از این اشاره شد رعایت نکته‌های درست‌نویسی و حرکت‌گذاری روشمند کمک می‌کند تا بتوان به آسانی با مخاطب ارتباط برقرار کرد و موجب سادگی و روان‌خوانی متن شود؛ همچنان که از دوگانگی و سردرگمی خواننده آن جلوگیری می‌کند. پس آشنایی با نوشته شدن یا نشدن حروف و همچنین خوانده شدن یا نشدن آنها کمک شایانی به درست‌خوانی و صحیح‌نویسی متن می‌کند، زیرا شیوه‌های نوشتار واژگان نقش مهم و بسزایی در فهم و درک متون عربی دارد (شرتونی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴).

باید دانست که بنابر بهترین و درست‌ترین دیدگاه، «حروف هجاء یا الفباء» در زبان عربی ۲۹ حرف‌اند که با «همزه» آغاز و به «یاء» پایان می‌پذیرد. برخی حروف عربی نوشته می‌شود، ولی به دلیلی خوانده نمی‌شود؛ از جمله این حروف، «الف» است:

۱. باید الف «فارقة» در فعل پس از ضمیر متصل رفعی «واو» جمع بیاید، مانند: ذَهَبُوا. هر چند این «الف» می‌تواند در مشتقات آن بیاید یا نیاید: «جَاءَ سَاكِنُو (سَاكِنُوا) أَلْدَارَ». البته به شرط اینکه پس از ضمیر واو، ضمیر متصل نصبی نیامده باشد، مانند: كَتَبُوا +ها = كَتَبُوها. اگر ضمیر متصل نصبی آمده باشد، نباید «الف» پس از ضمیر «واو» بیاید (همان، ج ۲: ۳۴).

۲. نشانه تنوین نصب به روش‌های زیر می‌آید:

أ) بر روی حرف پیش از آخر کلمه، یعنی پیش از «الف» مقصور می‌آید، مانند: رَأَيْتُ رَجُلًا، هَذِهِ رَحَى وَ عَصَا.

ب) اگر آن اسم ممدود و یا مؤنث با «ه» گرد باشد، تنوین نصب نیازی به «الف» ندارد و نشانه تنوین نصب بر روی حرف آخر اسم گرد می‌آید، مانند: مَدْرَسَةٌ ← مَدْرَسَةٌ، إِيْتِدَاءٌ ← إِيْتِدَاءٌ. و گرنه پس از تنوین نصب «الف» می‌آید، مانند: جُزءٌ ← جُزءٌ أ.

۳. همزه وصل در میان جمله و کلام می‌آید، مانند: يَا رَجُلُ جُلِسْ (سیویه، ۱۴۰۸: ۶۷). نکته بسیار مهم اینکه با بررسی و ملاحظه متون عربی، اشتباه فاحشی دیده می‌شود که تنوین نصب را روی «الف» می‌گذارند، مانند: کتاباً، سِيلاً، هُدًى. در این صورت حرف پیش از تنوین چه حرکتی دارد؟ پس درست، دقیق و علمی آن، تنوین نصب پیش از «الف» گذاشته شود، مانند: کتاباً، سِيلاً، هُدًى (الدَّحْدَاح، ۱۹۹۶، ج ۳: ۳۸).

۲. افزایش یا حذف حروف

زبان‌آموز فارسی باید نیک بدانند گاهی در زبان عربی به خاطر رعایت قوانین صرفی و نحوی حرفی به کلمه افزوده یا کاسته می‌شود، مثلاً حرف زاید «واو» در موارد زیر نوشته می‌شود، ولی خوانده نمی‌شود:

۱. واو «عَمْرُو» در دو حالت رفعی و جرّی نوشته می‌شود تا از کلمه «عَمَر» قابل تشخیص باشد، ولی در حالت نصبی نوشته نمی‌شود؛ در نتیجه خوانده هم نمی‌شود، مانند: جاءَ عَمْرُو،

رأیت عَمْرًا، مررت بَعَمْرُو؛ زیرا «عُمَر» اسم غیر منصرف است. پس در حالت نصبی واو «عَمَر» حذف می‌شود، زیرا «عَمَر» در حالت نصبی به «الف» نیاز ندارد. پس به راحتی در حالت نصب قابل تشخیص است، مانند: «زرت صدیقی عَمْرًا فی الجامعه» که «عَمْرًا» درست نیست.

۲. «أُولُو، أُولَات» به معنای صاحبان.

۳. اسم‌های اشاره: «أُولَاءِ، أُولَی، أُولَئِكَ».

۴. «الف» زاید «مَائَةٌ» در مفرد و مثنی: «مَائَةٌ، مَائَتَانِ» ولی در جمع «الف» آن زائد نیست، مانند: مئآت (حسن، ۱۹۸۰: ج ۳: ۳۲۳).

«الف» در موارد زیر حذف می‌شود:

۱. باید «الف» در اسم جلاله (الْإِلَهِ ← اللَّهُ)، اسم‌های «هَذَا ← هَذَا، هَآذِه ← هَآذِه، هَآوُلَاءِ ← هَآوُلَاءِ، ذَآلِكَ ← ذَآلِكَ، هَآهُنَا ← هَآهُنَا، هَآكَذَا ← هَآكَذَا، أُولَآئِكَ ← أُولَآئِكَ، لَآ كُنْ ← لَآ كُنْ» و از «مَا»ی پرسشی پس از حرف جر، مانند: «إِلَام؟ = تا به کی؟ (در اصل إلی مَا؟)، حَتَّام؟ = تا چند؟ (در اصل حَتَّى مَا؟)، عَلَام؟ = برای چه؟ چرا؟ (در اصل عَلَی مَا؟)» حذف شود.

۲. «الف» در این موارد می‌تواند حذف شود یا نشود: «إِبْرَاهِيمَ وِ إِبْرَاهِيمَ، إِسْحَاقَ وِ إِسْحَاقَ، إِسْمَاعِيلَ وِ إِسْمَاعِيلَ، هَآوُنَ وِ هَآوُنَ، سُلَیْمَانَ وِ سُلَیْمَانَ، أَلَرْحَمَنَ وِ أَلَرْحَمَانَ، أَلَسَّمَوَاتَ وِ أَلَسَّمَوَاتَ، أَلْمَلَائِكَةَ وِ أَلْمَلَائِكَةَ، ثَلَاثَ وِ ثَلَاثَ، ثَلَاثُونَ وِ ثَلَاثُونَ».

۳. اگر «الف» پیش از دو «واو» بیاید به شرط اینکه «واو» نخست مضموم باشد، می‌توان دومین «واو» را از میان کلمه حذف کرد: «دَاوُود ← دَاوُد، طَاوُوس ← طَاوُس» (بدیع یعقوب، ۱۹۸۸: ۳۴۲).

۳. چسبیدن پیشوندها

در موارد زیر حروف به کلمه پیش یا پس از خود می‌چسبند:

۱. «أَلْ» و کلمه‌های تک حرفی، مانند حروف معانی «لام، یاء» و موارد مشابه که از نظر نوشتن به پس از خود متصل می‌شود، مانند: أَلْ + مَهْدِی ← أَلْمَهْدِی، لَ + حَسَنِ ← لِحَسَنِ، یَ + کَتَبَ ← یَكْتَبُ.

۲. حرف «ما» که به کلمه پیش از خودش متصل می‌شود، مانند: کَأَنَّ + مَا ← کَأَنَّمَا، لَيْتَ + مَا ← لَيْتَمَا، كُلُّ + مَا ← كُلَّمَا.

۳. اسم «ما» که به سه حرف «من، عن، فی» می‌پیوندد، با تبدیل نون به «میم» و ادغام در حرف بعدی به گونه «من + ما ← مِم + ما = مِمَّا، عن + ما ← عَم + ما = عَمَّا، فی + ما = فِيمَا» نوشته می‌شود، و گرنه «ما» جدا نوشته می‌شود، مانند: «إِنَّ مَا تَقُولُهُ صَحِيحٌ = قطعاً عقیده و باورت درست است».

۴. حرف مصدری «أَنْ» به «لَا» می‌چسبد: «لَا + أَنْ + لَا ← لَأَنَّا ← لَأَنَّ لَأَنَّ»، مانند: عَاقَبْتُ السَّفِيهَ لَأَنَّ يَظُنُّ أَنَّهُ حَكِيمٌ.

۵. «إِذْ»، مضاف‌الیه، اسم زمان بیاید: حِينَ + إِذْ ← حِينَئِذٍ، سَاعَةً + إِذْ ← سَاعَتَيْذٍ.

۶. ضمائر متصل، مانند: قَرَأْتُ كِتَابَكَ (ابن هشام، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۳).

۴. روش نگارش «الف و تاء» مؤنث

با توجه به اینکه «الف» به دو گونه (ا، ی) نوشته می‌شود، نوع نوشتن آن سردرگمی مخاطب را در پی دارد. او به نظر ناگزیر است به هنگام نوشتن، موارد ذیل را رعایت کند:
(أ) اگر «الف» در آخر و در مرتبه سوم قرار گیرد و مقلوب از «واو» باشد، به صورت «الف» نوشته می‌شود: «أَلْعَصَا وَ غَزَا».

(ب) و گرنه حرف «الف» به صورت یاء نوشته می‌شود، به شرط اینکه پیش از الف، یاء باشد: «أَلْدُنْيَا، أَلْعُلْيَا، يَحْيَا».

همچنین با توجه به اینکه حرف تاء به دو گونه (ه، ت) نوشته می‌شود، مخاطب به هنگام نوشتن آن سردرگم می‌شود؛ بنابراین بهتر است به موردهای ذیل دقت شود:

۱. اگر تاء تأنیث آخر فعل بچسبد به صورت کشیده (ت) نوشته می‌شود: «قَامَتْ» که به آن «مبسوطه = کشیده» گویند.

۲. اگر تاء تأنیث آخر اسم مفرد بیاید به صورت «ة» گرد نوشته می‌شود: «الصَّالِحَةُ».

قَائِمَةٌ، ثَمَرَةٌ» که به آن تاء «مربوطه = گره‌خورده» گویند، ولی اگر اسم، جمع مؤنث سالم باشد

به صورت کشیده «مبسوطه» می‌آید، مانند: ظُلُمَاتُ، الثَّمَرَاتُ، الصَّالِحَاتُ؛ و اگر جمع مکسر باشد به شکل «ه» گرد می‌آید، مانند: قُضَاةٌ، رُمَاةٌ (الراجحی، ۱۹۸۱: ۷۶).

روش همزه‌نویسی

به یقین می‌توان گفت مهم‌ترین و چالشی‌ترین مشکل فارسی‌زبانان برای نگارش متون عربی موضوع همزه‌نویسی واژگان و اصطلاحات عربی است. پس کمتر متنی به زبان عربی را می‌توان یافت که در آن، روش درست همزه‌نویسی رعایت شده باشد؛ زیرا تاکنون چارچوب و معیار خاصی برای نویسندگان، منشیان، خطاطان و... گزارده نشده است. از این رو باید گفت متأسفانه تاکنون آموزش لازم به آنها داده نشده، و مورد بی‌توجهی دست‌اندرکاران قرار گرفته است. نبود آموزش و چارچوب ویژه موجب می‌شود که بیشتر نویسندگان، مؤلفان و... روش تقلیدی، سنتی و نادرست را در پیش گیرند که امروز سردرگمی مخاطب را در دریافت معنا و مفهوم برخی کلمه‌ها در پی دارد (پورجوادی، ۱۳۷۵: ۷۶).

بنابراین روش درست و استاندارد همزه‌نویسی روز زبان عربی در پی می‌آید تا پس از این، ما شاهد نابسامانی و چندگانگی در درست همزه‌نویسی نباشیم.

۱. فرق «الف» و «همزه»

نخست لازم است تفاوت «الف و همزه» روشن شود تا به هنگام همزه‌نویسی دچار اشتباه نشویم:

۱. هیچ‌گاه «الف» آغاز کلمه نمی‌آید، بنابراین آنچه در آغاز کلمه می‌آید «همزه» است. هرچند «همزه» میان و پایان کلمه نیز قرار می‌گیرد، مانند: أَمَّا، الَّذِينَ، آمَنُوا، أَسْتَوَى، الْحَقُّ، أَسْجُدُوا، ابْتَدَأَ، سَأَلَ، قَرَأَ، سَأَلَ، سُوءٌ، وَلِي «الف» تنها در میان و پایان کلمه می‌آید، مانند: مُوسَى، صَاعِقَةُ، نَرَى، بَعَثْنَا، بَابٌ، حَتَّى، أَدْنَى، أَرَى، دُنْيَا.

۲. «همزه» حرکت می‌پذیرد ولی «الف» حرکت نمی‌پذیرد، مانند: سَأَلْتُمْ، هَادُوا، مِثَاقٌ، خَاسِئِينَ، مَوْتِي، أَيَّامًا، بَدَأَ. پس «الف» همیشه ساکن است و از این جهت هیچ‌گاه آغاز کلمه

نمی‌آید؛ زیرا هرگز در زبان عربی کلمه با ساکن آغاز نمی‌شود. البته تفاوت‌های دیگری دارند که بیرون از این بحث است (مصطفی، ۱۹۳۷: ۵۴).

۲. همزه‌نویسی

همزه در زبان عربی به چهار شکل می‌آید:

(أ) بدون کرسی، (ء)، مانند: سَوَاءٌ، النِّسَاءُ، جَاءَ.

(ب) با کرسی الف، (أ، إ، ا)، مانند: أَضَاءَتْ، إِبْلِيسُ، أَنَسَ.

(ج) با کرسی یاء، (ي، يِ)، مانند: جِئْتُ، أَوْلَيْكَ، قُرِئَ.

(د) با کرسی واو، (و، وِ)، مانند: هَوَّلَاءِ، يُؤْمِنُونَ، لَوُلُؤُ. و اما:

۱. هرگاه «همزه» آغاز کلمه بیاید با کرسی «الف» نوشته می‌شود: «إِيْمَانٌ ← إِيْمَانٌ، أَنْمَلَةٌ ← سر انگشت، إَصْبَعٌ = انگشت، أَمْرٌ ← امر».

نکته: هرگاه کلمه‌ای با حرف «أل» شروع شود و لام بر سر آن بیاید، همزه وصل حذف می‌شود: «الرَّجُلُ ← ل + الرَّجُلُ ← لِلرَّجُلِ».

۲. هرگاه همزه ساکن میان کلمه قرار گیرد، با توجه به حرکت پیش از خودش نوشته می‌شود: «لَوْمٌ، ذَنْبٌ، رَأْسٌ».

نکته: اگر همزه مقلوب پس از همزه وصل بیاید و در میان جمله به صورت اصلی درآمده باشد، «همزه» به صورت حرف مقلوب نوشته می‌شود؛ یعنی در «يَا رَجُلُ أَنْذَنْ ← ای مرد اجازه بده!». به شکل الف، «قُلْتُ: آيْتُ» به شکل یاء: «هَذَا الَّذِي أُؤْتِمِنْتُ عَلَيْهِ» به شکل «واو» نوشته می‌شود.

۳. هرگاه همزه حرکت‌دار میان کلمه بیاید و پیش از آن نیز حرکت داشته باشد، با توجه به حرکت خود همزه نوشته می‌شود: «سَأَلَ» و «سَمَّ» ← بی‌زار شد و «لَوْمٌ ← خسیس شد».

نکته: اما اگر همزه مفتوح پس از ضمه، کسره و یا «الف» بیاید در این صورت با توجه به حرف مناسب پیش از خود نوشته می‌شود: «مَابٌ = محل بازگشت، مُؤَنَّ = ج. مؤننه = هزینه، فَنَّهُ = گروه» و اگر حروف مدّی غیر از «الف» پس از «همزه» آمده باشد، با توجه به حرکت خود همزه نوشته می‌شود: «رَوُفٌ = مهربان، كَيْمٌ = سرزنش شده».

۴. اگر پیش از همزه حرکت‌دار ساکن باشد، با توجه به حرف مناسب با حرکتش نوشته می‌شود: «يَسْأَلُ، يَلُومُ، يَيْسُ».

نکته: گاهی «همزه» در «مَسْئَلَةٌ» و «مَسْئُول» با کرسی یاء نوشته می‌شود؛ در صورتی که شایسته است «همزه» با کرسی «الف» در اولی (مَسْأَلَةٌ) و با کرسی «واو» در دومی (مَسْئُول) بیاید.

۵. هرگاه «همزه» میان «الف» و «یاء» بیاید، می‌توان آن را پیش از ضمیر (ی) متکلم وحده بدون کرسی و یا با کرسی «یاء» نوشت: «الرَّأْيَ وَالرَّأْيَ، بَقَاءِ وَبَقَائِي»، البته بهتر است با کرسی یاء بیاید.

۶. ولی اگر «همزه» میان «الف» و ضمیری به جزء «ی» متکلم وحده بیاید دو حالت دارد: أ) اگر «همزه»، مکسور یا مضموم باشد با توجه به حرکت خود نوشته می‌شود: «بَقَاؤُهُ وَبَقَائِهِ».

ب) اگر «همزه»، مفتوح باشد بدون کرسی می‌آید: «بَقَاءَهُ».

نکته: اگر «همزه» میان دو «الف» بیاید بدون کرسی نوشته می‌شود؛ زیرا به هنگام نوشتن، سه «الف» با هم می‌آیند، مانند: قِرَاءَاتٌ.

۷. اگر «همزه» در آخر کلمه قرار گیرد:

أ) و پیش از آن حرف ساکن باشد، «همزه» بدون کرسی می‌آید: «جُرْءٌ، ضَوْءٌ = نور».

ب) ولی اگر پیش از آن ساکن نباشد، با توجه به حرکت حرف پیش از خود نوشته می‌شود، مانند: «جُرْؤٌ = دلیر شد، قَرَأَ، صَدَيْ = آهن زنگ زد».

ولی اگر «همزه» در آخر و پس از آن «ه» تأنیث بیاید:

أ) اگر پیش از همزه، حرف صحیح ساکنی باشد، «همزه» با کرسی «الف» می‌آید: «نَسَاءٌ = بزرگ شدن».

ب) اگر پیش از همزه، حرف صحیح حرکت‌داری باشد، «همزه» با توجه به حرف مناسب با حرکت پیش از خودش نوشته می‌شود: «فِتَةٌ، لَوْلُؤَةٌ».

ج) ولی اگر پیش از همزه، حرف عله باشد پس از «یاء» با کرسی یاء و پس از «الف» و «واو» بدون کرسی می‌آید: «حَطِیئَةُ، قِرَاءَةُ، مُرُوءَةٌ». البته «الف» مؤنث نیز چنین حکمی دارد: «مَلَأَى = پر، سُوءَى = بد» (شرتونی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۳).

۳. حذف همزه قطع و وصل

همزه دو نوع است:

۱. همزه وصل (أ)، آن است در آغاز کلام خوانده می‌شود، ولی در میان کلام و جمله خوانده نمی‌شود، مانند: «اجْلِسْ يَا رَجُلٌ» و «يَا رَجُلٌ اجْلِسْ، لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ». نشانه همزه اول، «ص» کوچکی است. در اصل: «وَصَلَ ← صَلَّ ← ص (بزرگ) ← ص (کوچک می‌شود)».
 ۲. همزه قطع (أ)، آن است که هر جای جمله بیاید خوانده می‌شود، مانند: أَكْرِمَ يَا رَجُلٌ، رَجُلٌ أَكْرِمَ، فِيهَا أَزْوَاجٌ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ، إِسْلَامَ، و إِسْلَامَ (گفته می‌شود نشانه همزه قطع، «ء» در اصل، «الف» شکسته است) (نائل، ۲۰۲۲: ۲۸۷).
- «همزه» در موارد زیر حذف می‌شود:

- أ) باید همزه قطع از اسم جلاله حذف شود: «إِلَاهُ ← آلِلَاهُ ← آلِلَه ← آلِلَه ← آلِلَه».
- ب) باید همزه وصل به‌ویژه از «بِسْمَلَهُ» حذف شود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ← بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

یادآوری: نباید همزه وصل بی‌مورد حذف شود؛ زیرا هر حذف و اضافه‌ای در زبان عربی باید با دلیل باشد. پس (بسمه تعالی) بدین گونه درست نیست، بلکه درست آن «بِاسْمِ تعالی» است؛ برخلاف «بِسْمِ» در سوره مبارکه (اقْرَأْ) که «بِاسْمِ رَبِّكَ...» نباید حذف شود.

ج) همزه وصل «أَبْنِ» هرگاه در بعضی حالت‌ها میان دو اسم خاص قرار گیرد، مانند: حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ و همچنین همزه «أَلْ» پس از لام جرّ نیز باید حذف شود: «لِ- + الرَّجُلِ ← ل- + الرَّجُلِ ← لِلرَّجُلِ»؛ و گرنه همزه وصل حذف نمی‌شود، مانند: «يَا أَبْنَا رَسُولِ اللَّهِ، يَا أَبْنَا الْحَسَنِ».

نکته: همزه وصل مکسور یا مضموم را پس از همزه پرسشی می‌توان حذف کرد، مانند: أَتَنْصَرْتُ؟ در اصل: أَتَنْصَرْتُ؟؛ همچنین همزه استفهام از آغاز کلمه‌ای که با همزه شروع شود نیز حذف می‌شود، مانند: أَأَنْتَ ← أَنْتَ بَنُ فُلَانٍ؟ (أنیس، ۱۹۸۷: ۲۰۱).

۴-۳. روان‌خوانی همزه

در موارد زیر اعلال همزه صورت می‌گیرد؛ بنابراین باید برای روان‌خوانی «همزه» بدین گونه نوشته شود و گرنه نگارش کلمه نادرست خواهد بود:

۱. اگر همزه ساکنی پس از همزه حرکت‌دار بیاید، برای روان‌خوانی «همزه» به حرف مدّ تبدیل می‌شود؛ در این صورت پس از همزه مفتوح به الف، مانند: آتی، آمَنُوا، آخره، پس از همزه مضموم به واو: «أُوتِي، أُوذُوا» و پس از همزه مکسور به یاء: «إِيْتَاء، إِيْمَان» تبدیل می‌شود. این کار، روان کردن «همزه» برای خواندن، «تَلْهِين» نامیده می‌شود.

نکته نخست: اگر همزه اولی وصل باشد، همزه دومی به هنگام خواندن جمله به حالت اول برمی‌گردد؛ زیرا همزه وصل در این موقع از بین می‌رود، مانند: فَاَتَنِي بِالْكِتَابِ وَادْنُ لِي بِقِرَاءَتِهِ.

نکته دوم: هرگاه همزه ساکن پس از حرفی غیر از «همزه» بیاید، بیشتر به مدّ تبدیل می‌شود، مانند: رَأْسٌ وَشُومٌ وَذِيْبٌ و یا می‌توان آن را به حال خود باقی گذاشت: رَأْسٌ (سر)، شُومٌ (بدینی)، ذِيْبٌ (گرگ).

۲. هرگاه همزه مفتوح پس از همزه مفتوح یا مضموم بیاید، باید به «واو» تبدیل شود: «أَوَادِمُ جَمْعُ آدَمَ، أُوَيْدِمُ تَصْغِيرُ آدَمَ».

نکته نخست: اگر همزه مفتوح پس از حرف مضمومی و یا مکسوری غیر از «همزه» بیاید، می‌توان آن را پس از مضموم به «واو» و پس از مکسور به «یاء» تبدیل کنیم: «مُؤَقَّتٌ ← مُوَقَّتٌ، مُؤَجَّلٌ = به تأخیر افتاده ← مُوَجَّلٌ»، «رِئَاءٌ ← رِيَاءٌ، ذِيَابٌ = ج. ذِيْبٌ، گرگ ← ذِيَابٌ» (شرتونی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۶).

نکته دوم: هرگاه دو همزه در دو کلمه (ولی پشت سرهم) بیایند، مانند: «أَأَنْتَ» سه راه در پیش است:

أ) حذف یکی از آنها برای روان‌خوانی؛

ب) به ندرت هر دو می‌توانند باقی بمانند؛

ج) آوردن الفی میان آن دو، مانند: آ آنت.

۳. اگر همزه حرکت‌دار آخر کلمه پس از «واو» یا «یاء» ساکن بیاید، بهتر است پس از «واو» به واو و پس از یاء به «یاء» تبدیل و با حرف پیش از خود ادغام شوند: «الْوُضُوءُ» ← «الْوُضُوءُ، الْبَيَّ» ← «الْبَيَّ، الْبَرَزِيَّةُ» برخلاف «سوء، شئ» که بهتر است «همزه» در آنها آورده شود.

۴. هرگاه لازم باشد در کلمه‌ای اعلال و ادغام با هم صورت گیرد اولویت با ادغام است، مانند: «أُمِّمَةٌ» ← «أُمِّمَةٌ» پس حرکت میم اول به همزه ساکن منتقل و هر دو میم ادغام شده، و آنگاه «همزه» به یاء تبدیل می‌شود؛ هرچند می‌توان آن را نیز به همان حالت باقی گذاشت.

۵. حرف شرط «إِنْ» جدا نوشته می‌شود؛ بنابراین نوشتن (إِنْشَاءَ اللَّهِ) درست نیست، بلکه صحیح آن (إِنْ شَاءَ اللَّهُ) است. حذف همزه قطع (مَا شَاءَ اللَّهُ) نیز درست نیست، بلکه صحیح آن «مَا شَاءَ اللَّهُ» است (همان، ج ۱: ۴۴).

چگونه روشمند حرکت‌گذاری کنیم؟

همان گونه که پیش از این یادآوری شد، زبان عربی از دید نوشتاری و حرکت‌گذاری در زمره سخت‌ترین زبان‌های جهان است. درست‌نویسی و درست‌حرکت‌گذاری نیز از بخش‌های سخت زبان عربی به شمار می‌رود. با بررسی متون عربی گوناگون نوشتاری و حتی گفتاری، بارها به کلمه‌ها، جمله‌ها و عبارت‌هایی برمی‌خوریم که اصول نگارش و دستور زبان عربی رعایت نشده است. البته به نظر می‌رسد پیشینیان ما شیوه‌ای در نوشتن زبان فارسی برمی‌گزیدند که ویژگی‌های دستوری و نگارشی زبان عربی را نداشته باشد و از به کار بردن آنها پرهیز می‌کردند؛ از این رو برخی مؤلفان و نویسندگان معاصر می‌کوشند به پیروی از آنها هر گونه قاعده صرف و نحوی برگرفته از زبان عربی را از زبان فارسی دور کنند، ولی نتوانسته و نخواهند توانست؛ زیرا جامعه فارسی‌زبان افزون بر پیوندهای فرهنگی، دینی و... افراط و

تفریط را بر نمی‌تابد. پس بهتر آن است همه راهکارها مورد بررسی قرار گیرند تا زبان فارسی بیشتر شکوفا شده، از هر گونه پیراستگی نابخردانه و آراستگی ناهنجارانه جلوگیری شود (پورجواد، ۱۳۷۵: ۷۸).

بایسته است نکته‌های ذیل به هنگام حرکت‌گذاری رعایت گردد تا به خوبی چارچوب و استاندارد زبان مبدأ حفظ شود؛ بنابراین به مؤلفان، نویسندگان، خطاطان، ویراستاران و همه دست‌اندرکاران نگارش متون عربی پیشنهاد می‌گردد پیش از آغاز کار خود، دوره روش نگارش درست و حرکت‌گذاری روشمند متون عربی را زیر نظر استادان کارآزموده، فرهیخته و متخصص رشته زبان و ادبیات عربی بگذرانند.

زبان‌آموز فارسی به خوبی می‌داند تجربه نشان داده است هر کس نتواند متن عربی را درست و علمی حرکت‌گذاری کند، نخواهد توانست آن را نیز درست و روان بخواند. حتی گاهی به خاطر حرکت نداشتن واژگان، آنها را اشتباه می‌خوانیم مانند «صَعْبُ الْعِلَاج» را که «صَعْبَ الْعِلَاج» می‌خوانیم. هرچند به راحتی می‌توان «سَخْتُ دَرْمَانِ یا دَرْمَانِ سَخْتُ» را جایگزین کرد که هم فارسی است و هم به آسانی خوانده می‌شود (تقیه، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

۱. حرکت‌گذاری همه حروف یا تنها حرکت‌گذاری آخر کلمه

پژوهشگر لازم می‌داند در اینجا به اصطلاح‌های مهمی به نام «التَّشْكِیل، الإِشْکَال، وَضْع الشَّكْلِ» اشاره کند که همگی معادل فارسی «حرکت‌گذاری همه حروف کلمه» است. متأسفانه برخی آنها را با اصطلاح «الإِعْرَاب» اشتباه می‌گیرند؛ در صورتی که «الإِعْرَاب» حرکت آخر کلمه با توجه به نقش آن در جمله است، ولی «التَّشْكِیل، الإِشْکَال، وَضْع الشَّكْلِ»، حرکت‌گذاری همه حروف یک کلمه است تا مخاطب بتواند آن را درست تلفظ کند. پس نویسنده در این مقاله می‌کوشد روش و سبک درست حرکت‌گذاری را به خوانندگان منتقل کند که مبنای علمی براساس صرف و نحو عربی دارد (ابن‌منظور، ۱۹۸۰: ذیل واژه شکل).

۱-۱. تبدیل ساکن به حرکت

اصل بر این است که هر کلمه‌ای جدای از کلمه دیگر نوشته شود، ولی این چارچوب در موارد زیر رعایت نمی‌شود:

۱. اگر دو حرف ساکن در دو کلمه جدا ولی پشت سرهم بیایند، ساکن اول خوانده نمی‌شود (حرف ساکن هنگام خواندن حذف می‌گردد): «تَابِعَا الْأَمِيرَ» ← «تَابِعَ الْأَمِيرِ، قَاضِي الْمَدِينَةِ» ← «قَاضِي الْمَدِينَةِ».

۲. اگر دو ساکن پشت سرهم بیایند که ساکن اول حرف صحیح باشد و نتوان هیچ یک را حذف کرد، ساکن اول مکسور می‌شود: «اضْرِبِ الْعَبْدَ» ← «اضْرِبِ الْعَبْدَ، لَا تَمُدُّ الْيَدَ» ← «لَا تَمُدُّ الْيَدَ».

نکته نخست: اگر دو ساکن پشت سرهم بیاید و ساکن اول حرف عله با حرکت ناهمجنس باشد، ساکن اول با حرکتی هم جنس با خودش حرکت‌دار می‌شود: «لَا تَنْسُوا» ← «لَا تَنْسُوا الْمَعْرُوفَ، لَا تَخْشَى» ← «لَا تَخْشَى الْعَارَ».

نکته دوم: اگر دو حرف ساکن پشت سرهم بیایند و ساکن اول حرف «ذال»، مانند: «مُدَّ» یا پس از ضمیر مخاطب یا هاء غایب مضموم آمده باشد حرف ساکن اول نیز مضموم می‌شود، مانند: «مُدَّ الْيَوْمَ وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ هُمْ الْقُضَاةُ وَ مِنْهُمْ الْحُكَّامُ» و اگر ضمیر مکسوری پیش از میم بیاید، می‌توان ساکن اول را مضموم یا مکسور کرد: «يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَ بِهِمُ الْنَجَاةُ». نکته سوم: هرگاه «من» پیش از اسم دارای «ال» بیاید نون ساکن مفتوح می‌شود، مانند: «خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ» ← «خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ» و اگر نون تأکید خفیفه باشد گاهی حذف می‌شود، مانند: «لَا تُهِنَنَّ الْفَقِيرَ» ← «لَا تُهِنَنَّ الْفَقِيرَ = به فقیر بی ادبی مکن» (شرتونی، ۱۳۹۰: ج ۱: ۹۱).

۲. حرکت‌گذاری معیار

رعایت شیوه درست حرکت‌گذاری متون عربی در یک نوشته موجب سادگی، آسان‌خوانی و درست‌نویسی می‌شود. رعایت این موردها کمک می‌کند تا بتوان به آسانی با مخاطب ارتباط برقرار کرد. به کمک شیوه‌ای یکدست از دوگانگی پرهیز می‌شود. حرکت‌گذاری متون عربی بنابر معیارهای ذیل است:

۱. رعایت نکته‌های صرف و نحو عربی؛

۲. رعایت استقلال واژگانی؛

۳. همخوانی نوشتار با گفتار؛

۴. روان‌خوانی و روان‌نویسی؛

۵. گزینش بهترین شکل نوشتاری؛

۶. انعطاف‌پذیری؛

۷. چشم‌نوازی و زیبایی (علم‌الدین، ۱۹۸۰: ۸۷).

موارد حرکت‌گذاری معیار:

۱. دو نقطه زیر یاء گذاشتن؛ (ی ← ی)، مانند: اَلَّذِي (غلط) = اَلَّذِي (درست)، تَجْرِي (غلط) = تَجْرِي (درست).

۲. حرکت کسره پیش از یاء؛ (ـِ ی)، برخی زیر یاء، «الف» کوتاه می‌آورند که معلوم نیست از کجا «الف» زیر یاء می‌آید. پس زیر «یاء» هیچ حرفی و حرکتی نمی‌آید، مانند: اَلَّذِينَ (غلط) = اَلَّذِينَ (درست)، قِيلَ (غلط) = قِيلَ (درست)، اَلرَّحِيمَ (غلط) = اَلرَّحِيمَ (درست)، بَنِي إِسْرَائِيلَ (غلط) = بَنِي إِسْرَائِيلَ (درست)، اَلرَّاكِعِينَ (غلط) = اَلرَّاكِعِينَ (درست).

۳. حرکت فتحه پیش از الف مقصوره: (ـَا، ـِی)، برخی پیش یا روی الف مقصوره، «الف» کوتاه می‌آورند که معلوم نیست این «الف» از کجا می‌آید، مانند: كَلَّا (غلط) = كَلَّا (درست)، التَّوَابُ (غلط) = التَّوَابُ (درست). «الف» در زبان عربی به دو گونه نوشته می‌شود: (ا، ی)، مانند: الدُّنْيَا، اَلْفَتَى، اَلْهُدَى.

یادآوری مهم آنکه روی الف مقصوره هیچ چیز نمی‌آید بلکه پیش از آن فتحه یا تنوین نصب می‌آید، مانند: هُدًى، اَلْهُدَى، عَلًى، آبًى، قُلْنَا، لَّا.

۴. حروف دو نوع‌اند:

أ) شمسی، هرگاه «أَلْ» بر سر این حروف بیاید لام «أَلْ» خوانده نمی‌شود و تشدید روی حرف شمسی گذاشته می‌شود، مانند: أَلْ + ضَلَالَةٌ ← اَلضَّلَالَةُ ← اَلضَّلَالَةُ، أَلْ + سَبِيلٌ ← اَلسَّبِيلُ ← اَلسَّبِيلُ، أَلْ + طَاعُوتٌ ← اَلطَّاعُوتُ ← اَلطَّاعُوتُ. ب) قمری، اگر «أَلْ» بر سر این حروف بیاید «لام»، ساکن و خوانده می‌شود و آن حرف قمری هیچ تغییری نمی‌کند. پس باید نشانه سکون روی لام «أَلْ»، پیش از حرف قمری قرار گیرد، مانند: أَلْ + كِتَابٌ ← اَلْكِتَابُ، أَلْ + مُلْكٌ ← اَلْمُلْكُ، أَلْ + عَذَابٌ ← اَلْعَذَابُ.

۵. همزه وصل بی‌شمار و بی‌قاعده است، مثلاً «همزه» در ماضی، مضارع، امر و مصدر باب‌های مزید — به جزء باب افعال — وصل است، مانند: فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرَ لِمَنْ أَنْتُمْ؛ ولی همزه قطع کمتر و باقاعده است. موارد همزه قطع به شرح زیر است:

أ) باب افعال (ماضی، مضارع، امر و مصدر)، مانند: أَكْرَمَ، أَكْرِمُ، أَكْرِمُ، إِكْرَامٌ.
ب) جمع مکسر: أَشْجَارٌ، أَفَاضِلٌ.

ج) فعل مضارع (متکلم وحده): أَكْتُبُ، أَجْلِسُ.

د) صفت بر وزن أَفْعَل: أَكْبَرُ، أَسْوَدُ.

هـ) «همزه» جزء خود کلمه باشد: أَخَذْتُ، إِبْرَاهِيمَ

همزه وصل فقط در آغاز کلمه می‌آید، مانند الرَّسُولِ، ابتداء، استغفار، انقلاب؛ ولی همزه قطع در آغاز، میان و پایان کلمه قرار می‌گیرد، مانند: أَذِنَ، سَأَلَ، قَرَأَ.
۶. قرار دادن حرکت ضمه پیش از واو (و)، مانند: أَلطَّاعُونَ، يَدْعُو.

۷. گذاردن کسره زیر تشدید؛ (ـُـ)، مانند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ.

۸. قرار دادن تنوین نصب پیش از الف مقصوره؛ (ـِ)، مانند: سَجَدًا، قَوْلًا، فَتًى، صَالِحًا.
یادآوری: تنوین نصب روی «الف» یا پس از آن نمی‌آید، بنابراین نگارش تنوین نصب در «کتاباً، علماً» درست نیست.

۹. حرکت کلمه مقصور، پیش از (ی، ـِ) گذاشته می‌شود، بنابراین گذاشتن الف کوچک، «(يُ)» بر روی الف مقصوره درست نیست، مانند: إِلَيَّ، عَلَيَّ، عَسَى، أُخْرَى، أَدَى، يَرْضَى، هُدًى، مُسَمًّى (شرتونی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴).

نتیجه‌گیری

زبان آموز فارسی بهتر از دیگری می‌داند هرچند انشای سست، نارسا، مبهم و دور از فصاحت و بلاغت عیب شمرده می‌شود، ولی چون نویسندگی هم مانند شاعری به استعداد و طبع ذاتی شخص بستگی دارد، می‌توان انشاءنویس را بخشود ولی گناه نگارش نادرست و حرکت‌گذاری ناهمگون، بخشودنی نیست؛ زیرا ویرایش متن اکتسابی به دست خود انسان و از هر کار دیگری

آسان‌تر است. کسی که در نوشته‌هایش پیوسته مرتکب غلط‌های املائی می‌شود و به این عیب بزرگ خود پی نمی‌برد، از درک ننگ و عار بی‌بهره است. البته گاهی تنها باید متن در جاهای بایسته حرکت‌گذاری شود؛ همچنان که می‌بایست از حرکت‌گذاری بیش از اندازه پرهیز کرد. انسان با پشتکار و دقت به‌خوبی می‌تواند زشتی و نادرستی را در وجود خود رفع کند، از میان بردارد و درست و سالم بنویسد. ممکن است در کشورهای فراوانی متن رسانه‌های گفتاری و نوشتاری — حتی مجازی — سخیف، تهوع‌آور، دروغ و بی‌مزه باشد، اما کمتر اتفاق می‌افتد در آنها درست‌نویسی و املای واژگان رعایت نشود؛ زیرا به اندازه‌ای غلط املائی و حرکت‌گذاری نادرست برای قلم به‌دست، ننگ و عار شمرده می‌شود که همه تلاش خود را به عمل می‌آورد تا مرتکب این گونه اغلاط نشود و آبروی خود را در جامعه حفظ کند، اما جای بسی شگفتی است که قلم به‌دستان جامعه ما هر روز در نوشته خود مرتکب ده‌ها غلط انشائی، املائی و حرکت‌گذاری می‌شوند و مورد طعنه و ریش‌خند خاص و عام دیگران می‌گیرند، ولی به روی خود نمی‌آورند و به هیچ‌وجه در پی‌گیر و چاره‌ای برای عیب‌زدایی بر نمی‌آیند. آنگاه که رسانه‌ها شبانه‌روز بارها در اخبار و دیگر برنامه‌های خود به فراوانی موارد گفته‌شده را رعایت نمی‌کنند، چه انتظاری از افراد عادی جامعه باید داشت! شاید همین ساده‌انگاری‌ها و شلختگی‌های تکراری زبانی سبب می‌شود تا موضوع گفته‌شده مورد بی‌توجهی مردم و مسئولان قرار گیرد. البته منظور پژوهشگر از طرح این موضوع کلمه‌های دخیل عربی در زبان فارسی نیست، بلکه نگارش و حرکت‌گذاری متون عربی در لابه‌لای متون فارسی است. گزافه‌گویی نیست که رعایت نکردن نکات این نوشتار نیز به زبان فارسی لطمه می‌زند. باید موضوع این مقاله در فهرست موضوع‌های آموزش زبان فارسی قرار گیرد و کار آموزش درست‌نویسی کلمه‌ها و حرکت‌گذاری روشمند، خواندن و نوشتن درست و استاندارد متون عربی را در نهادهای آموزشی آغاز کرد. البته ناگزیر باید از شیوه‌ای پیروی کرد که از یک‌سو به آسان‌نویسی، درست‌خوانی و حرکت‌گذاری روشمند کمک کند و از سوی دیگر هیچ‌گونه گزندی به زبان شیرین فارسی نرساند؛ زیرا جالفتادن کاربردهای نادرست بیشتر واژه‌ها و عبارت‌ها در میان فارسی‌زبانان، زبان مقصد را دچار آسیب جدی می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، جمال‌الدین. (۱۹۸۰م)، لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام الأنصاری، عبدالله بن یوسف. (۱۴۱۲ق)، مغنی اللیب. چاپ پنجم. قم: مکتبه سید الشهداء.
- آنیس، إبراهیم. (۱۹۸۷م). من أسرار اللغة العربية. قاهره: مکتبه الأنجلو المصرية.
- امیل، یعقوب. (۱۹۸۸م). موسوعة النحو الصرف و الاعراب. بیروت: دارالعلم للملایین.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۵ش). درباره ویرایش: برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۱). چاپ سوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تقیه، محمدحسن. (۱۳۸۸ش). متون عربی کلیل و دمنه (حرکت‌گذاری، ترجمه، ترکیب و معانی واژگان). تهران: انتشارات پیام نو.
- حسن، عباس. (بی‌تا). النحو الوافی. الطبعة الثالثة. قاهره: دارالمعارف بمصر.
- الدحداح، أنطوان. (۱۹۹۶م). معجم لغة النحو العربی. الطبعة الثانية. بیروت: مکتبه ناشرون.
- الراجحي، عبده. (۱۹۸۱م). دروس في المذاهب النحوية. بیروت: دارالنهضة العربية.
- راجرز، تئودر استیون و جک کرافت ریچاردز. (۱۳۸۴ش). رویکردها و روش‌ها در آموزش زبان. ترجمه علی بهرامی. تهران: انتشارات رهنما.
- سیبویه، عمرو بن عثمان. (۱۴۰۸ق). الکتاب. القاهرة: مکتبه الخانجی.
- شرتونی، رشید. (۱۳۹۰ش). مبادئ النحویة. جلد چهارم. ترجمه و شرح محمدحسن تقیه. شیراز: انتشارات نوید.
- صلح‌جو، علی. (۱۳۸۹ش). نکته‌های ویرایش. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
- علم‌الدین الجندی، احمد. (۱۹۸۰م). «في الإعراب ومشكلاته». مجلة مجمع اللغة العربية. شماره ۴۲. صص: ۱۵۵-۱۷۲.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۵ش)، املاء، نشانه‌گذاری، ویرایش. تصحیح خلیل خطیب رهبر. چاپ دوم. تهران: صفی‌علیشاه.
- قانع‌ی فرد، عرفان. (۱۳۷۶ش). دمی با قاضی و ترجمه. سندیج: نشر ژیار.
- مصطفی، إبراهیم. (۱۹۳۷م). إحياء النحو. القاهرة: لجنة التأليف والنشر.

- نائل، محمد اسماعیل. (۲۰۲۲م). «حرکات الإعراب بین الوظيفة والجمال». مجله جامعة الإسلامية للبحوث الإنسانية. شماره ۲۰. صص: ۲۷۹-۳۱۲.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۴ش). غلط نویسیم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۱ش). دستور تطبیقی، فارسی - عربی. تهران: سخن.

